

تأثیر روابط اقتصادی - امنیتی هند - آمریکا بر روابط ایران و هند

قاسم رضایی^۱

علی آدمی^۲ *

سید جواد امام جمعه‌زاده^۳

چکیده

روابط ایالات متحده-هند در دوران جنگ سرد، به دلیل رقابت دو بلوک شرق و غرب و سیاست عدم تعهد هند روابط سردی بود. فروپاشی شوروی نقطه عطفی در روابط دو کشور بود و هند را واداشت که تغییرات جدی انجام دهد و بستر مناسبی را برای نزدیکی دو کشور فراهم کرد. از طرفی با توجه به ۶۵ اوضاع اقتصادی آمریکا و روی کارآمدن دونالد ترامپ و شعار شکوفائی اقتصادی وی این کشور را در تلاش برای یافتن بازارهای جدید و تقویت همکاری با قدرت‌های در حال ظهوری همچون هند دانسته‌اند، برای منافع ایران در خاورمیانه جایگاه متفاوت در روابط هند و آمریکا ترسیم شده است. آن دسته از بحث‌ها که هند را تابع آمریکا می‌دانند، معتقدند سیاست هند در قبال ایران تابعی از روابط ایران و آمریکا است. اما دسته دیگری از بحث‌ها معتقد به سیاست خارجی مستقل برای هند در قبال ایران هستند. در این مقاله به بررسی روابط هند و آمریکا و تأثیر آن بر رابطه هند و ایران در خاورمیانه پرداخته شده و موقعیت واقعی ایران در مناسبات هند و آمریکا تبیین شده است. نتیجه حاصل شده با توجه به منافع ملی هندوستان و رویکرد صیانت از منافع ملی این کشور و نیز با توجه به مزیت‌های اقتصادی، امنیتی و استراتژیک ایران، منافع اقتصادی و سیاسی ایران در سیاست خارجی هند تثبیت شده است. سؤال اصلی پژوهش آن است که روابط هند و آمریکا چه تأثیری بر منافع اقتصادی و سیاسی ایران در خاورمیانه دارد؟ یافته پژوهش حاکی از آن است که علی‌رغم تغییر در رویکرد سیاست خارجی هند، به دلیل توسعه روابط با ایالات متحده، جمهوری اسلامی به لحاظ محاسبات استراتژیک، اقتصادی، سیاسی و امنیتی همچنان جایگاه قابل توجهی در خاورمیانه و برای کشور هند دارد. روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تبیینی و روش گردآوری داده‌ها منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و استفاده از تئوری نئورئالیسم می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی هند، ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران، تئوری نئورئالیسم

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

* aliadami2002@yahoo.com

۳. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۱۵

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و شش، صص ۱۰۰-۶۵

۱. مقدمه

روابط دو کشور هند و ایالات متحده از زمان استقلال هند با افت و خیزهای فراوانی روبه‌رو بوده است. در چند سال اخیر این روابط رو به گسترش بوده دولت جدید هند دولتی ملی‌گرا بر پایه هندوئیسم بوده که به نوعی، گرایش‌های افراطی هندوها را حمایت می‌کند و این دولت گرایش زیادی به رفتن به سمت غرب دارد علاوه بر این‌ها خصومت بیشتر این حزب با چین و نگاه به چین به‌عنوان یک دشمن خطرناک در مرزهای شمالی زمینه‌های گرایش هند به ایالات متحده را فراهم می‌کند. ایالات متحده نیز با انگیزه‌های مختلف (از جمله کنترل چین و پاکستان و پرونده افغانستان) به دنبال گسترش روابط خود با هند می‌باشد. پیدایی قدرت‌های نوظهور یکی از مختصات و مشخصه‌های مهم چشم‌انداز بین‌المللی عصر جدید است، در همین راستا و بر اساس روند جهانی شدن که دنباله‌رو سیاست‌های اقتصادی و همکاری‌های فراتر از منطقه می‌باشد، عملاً کشورها به سمت و سوی کسب قدرت در سطح منطقه و نظام بین‌الملل تمایل پیدا می‌کنند. از مشخصه‌های نظام بین‌الملل پیدایی بازیگران جدید و طرح موضوع جایجایی قدرت جهانی بوده است این موضوع به‌ویژه از آغاز سده بیست و یکم و با قدرت‌نمایی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نوظهور، در کانون توجهات و تاملات نظری سیاست جهانی قرار گرفت. هند کشوری است که در سال‌های گذشته تغییرات اساسی را در سیاست خارجی خود اعمال کرده است و در وضعیتی قدم به عرصه جهانی گذاشته است که به‌عنوان بزرگ‌ترین دموکراسی آسیا با اقتصادی قدرتمند، در منطقه آسیای جنوبی به‌شمار می‌آید (تقی زاده، ۱۳۸۸: ۶-۳). هند به‌عنوان یک کشور در حال توسعه، موفق شد گام‌هایی اساسی در رفع مشکل بیکاری نیروی متخصص بردارد و از جهانی شدن تولید و خدمات در عصر جدید به‌عنوان فرصتی برای پیشرفت اقتصادی کشورش استفاده کند. به مدد این موفقیت اکنون روند مهاجرت مغزها از هندوستان به سوی کشورهای غربی کاهش یافته است و بازخیزی قدرت هند به صحنه بین‌المللی، در سیاست‌گذاری همه بازیگران نظام بین‌الملل، بازتاب یافته است. قدرت‌های در حال ظهور هم نسبت استواری با این فرایند یافته و درصدد برآمده‌اند تا از امکانات برای ارتقاء جایگاه و بازیگری بین‌المللی خود سود جویند (سلیمان پور، ۱۳۹۲: ۱۳-۸).

۲. بیان مساله

سیاست خارجی هند پس از اصلاحات اقتصادی اوایل دهه ۱۹۹۰ و شتاب گرفتن رشد اقتصادی آن، بر سه مورد در رابطه با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده تاکید کرده است: اول اینکه هند از ادغام بیشتر با اقتصاد جهانی سود خواهد برد. دوم همکاری و همگرایی بیشتر منطقه‌ای از طریق پیوند بهتر خطوط ارتباطی در آسیای جنوبی به‌عنوان یک معادله برد-برد موجب اعاده موقعیت شبه‌قاره به‌عنوان تقاطع آسیا خواهد شد و بالاخره سوم شکل‌گیری فزاینده روابط هند با قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متحده با عوامل اقتصادی از جمله نگرانی از امنیت انرژی و دسترسی به فناوری پیشرفته. (Brago, 2015: 355). پاکستان یکی از محدودیت‌های روابط دو قدرت هند و آمریکا می‌باشد. نوع روابط هند و پاکستان که می‌توان آن را بازی با حاصل جمع صفر دانست، هر بازیگری را در تنظیم روابط خود با این دو کشور با چالش مواجه می‌سازد و آمریکا نیز به عنوان تنها ابرقدرت نظام بین‌الملل با این معضل و انجام محاسبات دقیق مواجهه بوده است. تکثیر سلاح‌های هسته‌ای در آسیای جنوبی بخشی از یک زنجیره رقابتی است که هند تلاش می‌کند به بازدارندگی در برابر چین دست یابد و پاکستان نیز خواهان موازنه هند است. (Bhumitra, 2009: 216) مقامات رسمی هند، نیازهای انرژی در حال رشد خود مخصوصاً انرژی هسته‌ای را در حوزه مناسبی برای همکاری با آمریکا می‌دانند. (Squassoni, 2006: 12) روابط دهلی‌نو و تهران طی سال‌های اخیر به شدت تحت تأثیر اقدامات آمریکا قرار گرفته است، در واقع تنش در روابط ایران و آمریکا موجب شده است که آمریکا همواره سیاست مهار ایران در مناطق پیرامونی ایران را دنبال کند و از شکل‌گیری روابط استراتژیک بین ایران و سایر کشورها جلوگیری کند. فشارهای سیاسی آمریکا بر هند و ارائه مشوق‌های سیاسی - اقتصادی به این کشور طی سال‌های اخیر موجبات فاصله‌گیری دهلی‌نو از تهران را فراهم آورده است که نقطه آغاز آن خودداری هند از مشارکت و پیگیری در پروژه خط لوله انتقال گاز ایران به هند بود که علیرغم منافع چشمگیری که برای دو طرف داشت تا کنون به بهانه‌های مختلف از اجرایی کردن آن سر باز زدند. این اقدام هند در پی امضای موافقتنامه هسته‌ای آمریکا با هند در سال ۲۰۰۵ اتفاق افتاد. آمریکا با امضای این

موافقتنامه تحریم‌های هسته‌ای سه دهه پیش علیه برنامه هسته‌ای هند را برداشت و ورود هند به باشگاه کشورهای هسته‌ای را پذیرفت که منافع بسیاری از قبل آن نصیب هند گشت. هند با امضای قرارداد خط لوله گاز ترکستان به هند در سال ۲۰۱۰ عملاً ایران را کنار گذاشت. امضای این قرارداد با استقبال آمریکا مواجه شد. قدم بعدی هند در نزدیکی با مواضع آمریکا در برابر ایران، موافقت هند در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با ارجاع پرونده ایران از آژانس به شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. پرونده هسته‌ای ایران فرصت مناسبی برای آمریکا فراهم آورد تا با بهانه‌کردن آن موجبات فاصله‌گیری سایر کشورها همچون هند از ایران را فراهم آورد. با توجه به روابط خاص ایران و آمریکا، مقاله حاضر به دنبال واکاوی روابط هند و آمریکا و تأثیر آن بر رابطه هند و ایران در خاورمیانه است. فرضیه پژوهش حاضر عبارت است از این که منافع ملی کشور هند و آمریکا، ساختار نظام بین‌الملل بر سیاست خارجی هند و منافع سیاسی - اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه اثرگذار است.

۳. پیشینه تحقیق

- متس وارن (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی هندوستان قدرت در حال نوظهور پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که چالش‌های استراتژیک، به بیان شرایط تاریخی هند و اینکه بزرگترین کشور دموکراتیک می‌باشد را بیان می‌کند و استراتژی هند در مقابل استراتژی چین در منطقه آسیا را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و همچنین به تشریح جایگاه استراتژی هند و همسایگی با پاکستان، تقابل این دو کشور با یکدیگر و همکاری چین و پاکستان می‌پردازد و با در نظر گرفتن سیاست خارجی نوین هند، سیاست خارجی هند در راستای همکاری و ارتباط با آمریکا با در نظر گرفتن شرایط نظام بین‌الملل را بیان می‌کند (Matheswaran, 2014).

- بلک و ویل (۲۰۱۱) در تحقیقی به بررسی ایالات متحده، هند و آینده استراتژیک پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است که همچنین دلایل اهمیت ایالات

1. Matheswaran
2. Rbert & Blackwill

متحد به‌عنوان یک قدرت هژمون در نظام جهانی برای افزایش سهم بین‌المللی هند در نظام بین‌الملل می‌پردازد و با تکیه بر این دلایل توافق‌نامه و سندی برای چشم‌انداز رابطه استراتژیک هند و آمریکا بیان می‌کند.

- کولایی (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تحول سیاست خارجی و توسعه اقتصادی در هندوستان پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داده است که هند با اتخاذ سیاست خارجی مناسب توانسته به حمایت مالی غرب از نظر اقتصادی دست یابد. به بیان خیزش چشمگیر اقتصادی هند و تبدیل شدن آن از کشوری ضعیف به قدرتی بزرگ را تحلیل می‌کند همچنین معتقد است که تحول سیاست خارجی هند از آرمان‌گرایی به واقع‌گرایی و لیبرالیسم، زمینه را برای تأثیرگذاری ملاحظه‌های توسعه بر سیاست خارجی این کشور فراهم کرده است؛ هند نیز با شکل دادن به سیاست خارجی توسعه‌گرا بر پایه واقع‌بینی، در مسیر رشد و توسعه اقتصادی قرار گرفته است.

- توحیدی (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان رویکرد نوین سیاست خارجی هند به بیان استراتژی‌های کلان هند در منطقه پرداخته است و بیان می‌کند که اهداف هند تلاش برای ایفای نقش کلیدی در تعاملات سیاسی منطقه آسیا می‌باشد. معتقد است زوال نظام سیاسی - اقتصادی سنتی هند و اتمام جنگ سرد، ملاک‌های پیشین را برای هدایت سیاست خارجی هند را بی‌رنگ و ناکارآمد ساخت و معتقد است که هند در وضعیتی قدم به عرصه جهانی می‌گذارد که به‌عنوان اولین دموکراسی بزرگ با اقتصادی قدرتمند، فرهنگی چندگانه و از نظر مذهبی متنوعتر، در خارج از جغرافیای غرب واقع شده است. اگر هند بتواند رشد خود را تداوم بخشد، قادر خواهد بود به‌عنوان عضوی مهم در غرب سیاسی محسوب شود و نقشی کلیدی در تعاملات سیاسی در دهه‌های آینده ایفا کند.

۴. روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای یا اسنادی استفاده شده است. در این روش محقق از مهم‌ترین ابزار خود یعنی فیش‌برداری استفاده می‌کند. محقق با مراجعه به همه منابع شناسایی شده از قبل، مطالب مهم و مورد نیاز خود در فیش‌های تحقیق البته با ذکر دقیق مشخصات منبع مورد استفاده، می‌نویسد. اطلاعات جمع‌آوری شده که در فیش‌ها ثبت

شده‌اند با یک نظم منطقی دسته‌بندی شده و با یک دسته‌بندی مناسب و منطقی ثبت می‌شوند.

۵. یافته‌های تحقیق

۵-۱. چارچوب نظری (نئورئالیسم)

بنیان اصلی نظریه واقع‌گرایی، قدرت و دولت محوری، خردگرایی، اولویت موضوعات امنیتی و کم‌اهمیت شدن نهادهای بین‌المللی هستند. (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ۱۲۹). طرفداران واقع‌گرایی با تأکید بر نقش تعیین‌کننده ساختار نظام بین‌المللی و قدرت‌های بزرگ بر رفتار دولت‌ها نقش ساختار نظام بین‌المللی و آمریکا سیاست خارجی هند را تبیین می‌نمایند و منافع ملی هند را محور اصلی سیاست خارجی می‌داند طرفداران نظریه سازه‌نگاری بر این باورند که، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست جهانی ایفاء می‌کنند و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود. و این فرایند است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌کند، و روابط دولت‌ها براساس معنایی است که آن‌ها برای یک دیگر قائلند. (مرشایمر، ۱۳۸۸، ۴۷) همانگونه که گذشت، در مکتب رئالیسم، روابط بین‌الملل همان روابط بین‌الدول بود. دولت‌ها در شرایطی هرج و مرج آمیز "آنارشیک" فعالیت کردند، جنگ اجتناب‌ناپذیر بود، درگیری و کشمکش بیش از همکاری و صلح متداول بود و بالاخره اینکه، تحولات روابط بین‌الملل، به صورت چرخه‌ای و ادواری انجام پذیرفت. بر اساس فهم نئورئالیستی^۱، این باورها دگرگون نمی‌شوند؛ اما اصلاحاتی را می‌پذیرند. انتقاد نئورئالیستی بر رئالیسم این بوده که اولاً، دولت‌ها همه روابط موجود در جهان را پوشش نمی‌دهند؛ چون برخی از روابطی که دولت متصدی آن است، در واقع، توسط جوامع برقرار می‌شود. درست مانند این مثل که وقتی می‌گوییم "دیگ می‌جوشد"، در واقع، آب است که می‌جوشد و استفاده از دیگ، صرفاً اشتباه کلامی یا اصطلاح متداول است و دیگ "دولت" جز قالبی برای آب "برای افراد جامعه" نیست. دومین ایراد رئالیسم از نظر نئورئالیس‌ها، این بود که طبع بشر،

1. Marshmallow
2. Anarchic
3. Neorealist

آنگونه که رئالیست‌ها می‌گویند، شرارت‌بار و ستیزه‌جو نیست. از نظر روش شناختی، تشخیص شرارت در فطرت بشر، ناشی از مفروضات دیگری است که هنوز اثبات نشده‌اند. بنابراین، طمع‌کار و محتاج نامیدن انسان توسط انسان و تعمیم آن به گستره بین‌المللی، حداقل همه رفتارهای انسان‌ها را پوشش نمی‌دهد؛ یعنی هستند رفتارهای اخلاقی و انسانی که نمی‌توان آن‌ها را نتیجه‌گرایانه نامید. مهم‌ترین واقعه تاریخی که سبب بی‌اعتباری تحلیل‌های رئالیستی شد، پایان جنگ سرد بود که بر پایه مفروضات رئالیست‌ها، نباید اتفاق می‌افتاد (نصری، ۱۳۸۳: ۳۵) برای اینکه شوروی، هم از قدرت سخت‌افزاری چشم‌گیری برخوردار بود، هم دولتی بسیار مقتدر و قوی داشت و هم اینکه توازن قدرت در عرصه بین‌المللی حاکم بود. فروپاشی شوروی نشان داد که اولاً قدرت نظامی ضامن امنیت پایدار نیست، ثانیاً آنگونه که گفته می‌شد انسان‌ها، آن قدر شریر و حقیر نیستند که همیشه محتاج لویاتان پر قدرت باشند و بالاخره اینکه، قانون عام را نمی‌توان به همه زمان‌ها و مکان‌ها تعمیم داد. بر اساس این قبیل انتقادات بود که نئورئالیسم در قامت مکتب قوی و جامع، ظهور و با تکیه بر برخی مفروضات، مفاهیم و تزها رونق گرفت.

۲-۵. مفروضات نئورئالیسم

مفروضات نئورئالیسم، تفاوت جوهری با مفروضات رئالیسم ندارد و حتی می‌توان گفت که مفروضات این دو، به شدت (نه کاملاً) مشترک است. تفاوت مفروضات را در منازعه رئالیست‌ها و ایده‌الست‌ها به وضوح می‌توان دید. این امر از آن روست که این دو مکتب، تفاوت‌های معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و حتی هستی‌شناختی مهمی با هم دارند؛ اما این تفاوت در جدال بین رئالیست‌ها و نئورئالیست‌ها، قابل توجه نیست. با این توضیح، هفت مفروض نئورئالیسم را می‌توان به ترتیب زیر برشمرد:

یک. دولت، اصلی‌ترین مبنای تحلیل در روابط بین‌المللی است.

دو. دولت‌ها در تعقیب منافع و دستاوردهای نسبی‌اند و نه مطلق. یعنی می‌توان حاصل بازی را به جای صفر، مثبت دانست.

سه. دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی امنیت بین‌المللی، صرفاً در پی منافع ملی هستند.

چهار. نقش مؤسسات و نهادهای سیاسی - اقتصادی بین‌المللی در امنیت جهانی را نمی‌توان نادیده گرفت.

پنج. دولت‌ها، بازیگرانی عقلانی هستند و تعقیب حداکثر سود، یگانه انگیزه آن‌ها برای فعالیت در عرصه بین‌المللی است.

شش. دولت‌ها در شرایط هرج و مرج آمیز "آنارشیک"، فعالیت "رقابت" می‌کنند و عقلانیت آن‌ها در همان شرایط شکل می‌گیرد.

هفت. رفتار دولت‌ها فقط در قالب نظام بین‌الملل معنی‌دار است. به عبارت دیگر، تصور دولت‌ها به‌عنوان بازیگران عقلانیت‌گرا، یکپارچه و هم‌افق، فقط در قالب نظامی فراقشوری تحقق می‌یابد.

همانگونه که ملاحظه می‌شود، مفروضات نئورئالیستی دو تفاوت عمده با مفروضات رئالیستی دارد. نخست اینکه نئورئالیست‌ها، مؤسسات و نهادهای سیاسی - اقتصادی را مستقل از دولت‌ها در نظر می‌گیرند و دیگر اینکه، در برداشت نئورئالیستی، سطحی از هم‌کاری در بین دولت‌ها قابل تصدیق است و نمی‌توان گفت سود یک دولت در عرصه بین‌الملل، حتماً زیان دولت دیگر را در پی دارد. بر پایه این مفروضات، مفاهیم بنیادی نئورئالیست‌ها نسبت به رئالیست‌ها متفاوت می‌شود و اینان، به جای سیاست قدرت، امنیت، حاکمیت و منافع ملی، بر مفاهیم کلیدی دیگری تأکید می‌کنند. Baldwin, (1993: 42-43)

از این رو این تئوری نئورئالیسم جهان را محکوم به رقابت دائمی بین قدرت‌های بزرگ می‌داند، قدرت‌هایی که نه تنها به دنبال افزایش قدرت خود به بهای کاهش قدرت دیگر دولت‌ها، بلکه خواهان جلوگیری از افزایش قدرت رقبا به بهای کاهش قدرت خودشان می‌باشند (میرشایمر، ۱۳۸۸: ۳-۱) میرشایمر سنت رئالیستی را نظریه‌ای مناسب برای تبیین چگونگی پیدایی و ظهور قدرت‌ها و نحوه واکنش دولت‌های دیگر به آن قلمداد کرده و بر این مبنا معتقد است در نظام بین‌الملل، قدرتمندترین دولت به موازات چیرگی طلبی در منطقه پیرامونی خود تلاش دارد هم‌زمان اطمینان حاصل کند که هیچ قدرت بزرگ رقیبی بر دیگر مناطق غلبه نمی‌کند؛ زیرا هدف غایی هر قدرت بزرگی حداکثرسازی سهم خود از قدرت جهانی و سرانجام تسلط بر نظام بین‌الملل است؛ یعنی

همان سیاستی را در پیش گیرد که پیش‌تر آمریکا در نیم کره غربی به آن تحقق بخشید. نظام بین‌الملل در عصر پسا جنگ سرد با تغییرات ساختاری در قطب‌های قدرت مواجه شد. در این راستا، به نظر می‌رسد که با فروپاشی نظام دو قطبی، ایالات متحده به‌عنوان تنها ابرقدرت به جا مانده از جنگ سرد نظام بین‌الملل را در چارچوب هژمونیک‌گرایی خویش مدیریت نماید. با این وجود، در نظم جدید و با افول قدرت هژمونیک ایالات متحده به‌خصوص در بعد اقتصادی، قدرت‌های نوظهور از جمله چین، هند، اتحادیه اروپا و روسیه احیاء شده در کنار ایالات متحده سهم بسزایی در معادلات سیاسی جهان داشته‌اند. در واقع، هر چند فاصله قابل توجهی بین ایالات متحده و سایر قدرت‌های بزرگ در ابعاد مختلف وجود دارد، اما قدرت‌های مذکور نیز در این نظم جدید بین‌المللی به دنبال احیاء جایگاه خود در نظام بین‌الملل بوده‌اند. در همین راستا، بعضی از نظریه‌پردازان حوزه بین‌الملل از جمله هانتینگتون به ارائه تصویر جدیدی از نظام بین‌الملل پرداخته‌اند که در قالب نظم تک چند قطبی قابل بررسی است. از جمله قدرت‌هایی که در نظم جدید به ایفای نقش پرداخته‌اند، هند به‌عنوان یک قدرت نوظهور آسیایی بوده است. در این راستا، هند به‌عنوان یک قطب قدرت توانسته با برقراری پیوندهای استراتژیک با ایالات متحده، جایگاه خویش در عرصه نظام بین‌الملل را ارتقاء دهد. افول هژمونی ایالات متحده و نیاز آن به متحدین جدید برای موازنه تهدیدهای بالقوه به‌خصوص چین نیز به افزایش تمایل ایالات متحده برای تقویت روابط استراتژیک با هند کمک نموده است. لذا، در این فصل با توجه به نظریه نورنالیسم در روابط بین‌الملل ارائه نظم جدید در عصر پسا جنگ سرد در قالب نظام تک چند قطبی که در کنار افول هژمونی ایالات متحده به‌عنوان ابر قدرت چندین قدرت بزرگ از جمله هند نیز حضور دارند، ارائه خواهد شد. به نظر می‌رسد که الگوی روابط هند با ایالات متحده در عصر پسا جنگ سرد را می‌توان در قالب نظریه تک چند قطبی مورد بررسی قرار داد. سیاست خارجی هند در عصر پسا جنگ سرد، از جهان سوم‌گرایی به عمل‌گرایی اقتصادی دگرگون شده است. در سطح داخلی، بی‌اعتبار شدن اجماع نهروئیسم و رشد دیدگاه‌های درونی سیاست خارجی؛ در سطح منطقه‌ای، افزایش قابلیت‌های چین و در

سطح بین‌المللی، فروپاشی شوروی و دگرگونی ساختاری نظام بین‌الملل، عواملی هستند که سبب تغییر سیاست خارجی هند شده‌اند. از چشم‌انداز نظریه موازنه منافع، هند تحت تأثیر این عوامل، از دولتی انقلابی با اهداف تجدیدنظرطلبانه نامحدود به دولتی با اهداف تجدیدنظرطلبانه محدود دگرگون شده است. رشد هند، در درون نظم بین‌المللی پیگیری می‌شود و افزایش قدرت و پرستیژ آن به هزینه قواعد و هنجارهای نظم بین‌المللی نیست. دولت‌های در حال رشد ضرورتاً تهدیدی برای نظم مستقر بین‌المللی نیستند.

هند هم اکنون قدرتی نوظهور است که در صدد تفوق ایدئولوژیکی و دگرگونی اساسی نظم بین‌المللی نیست، بلکه با توجه به هنجارها و قواعد نظم بین‌المللی، در صدد ارتقاء وضعیت و موقعیت خود در درون نظم موجود است. گشایش اقتصادی و حرکت شتابان به سوی اقتصاد بازار و وابستگی متقابل اقتصادی، نرخ رشد باثبات و بالای اقتصادی، کسب و افزایش قابلیت‌های هسته‌ای نظامی، پیوستن به ایالات متحده به‌عنوان متحد طبیعی، تجدید روابط با اسرائیل و تبدیل سریع اسرائیل به رقیب جدی در بازار تسلیحاتی هند برای روسیه، ظهور هند به‌عنوان قدرتی اقتصادی، به‌ویژه در حوزه آسیای جنوب شرقی، همگی جزو تحولاتی است که در دو دهه گذشته، منزلت هند را در عرصه بین‌المللی تغییر داده است. هند بر خلاف گذشته، یعنی از ۱۹۴۷ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های تجدیدنظرطلبانه در قواعد و هنجارهای نظم موجود را ترک نموده و در صدد بهره‌بری بیشتر از فرصت‌های نظم موجود برای افزایش ثروت و قدرت ملی خویش است و به‌نظر می‌رسد که پیوندهای هند با ایالات متحده برای رشد در عصر تک‌چند قطبی از اهمیت برخوردار است.

۶. سیاست خارجی هند از استقلال تا زمان معاصر

روابط هند و آمریکا و تأثیر آن بر منافع سیاسی و اقتصادی ایران در خاورمیانه نیازمند شناخت سیاست خارجی هند است. کشور هند طی سه دوره، سه نگاه متفاوت را در سیاست خارجی خود تجربه کرده و بر اساس سیاست خارجی، اصول و شاخص‌های هر دوره، نگاه خاصی به نظام بین‌الملل و تحولات داخلی و منافع ملی داشته است:

الف) دوره استقلال هند یا دوره جنگ سرد. ب) دوره بعد از جنگ سرد یا دوره بعد از نهر. ج) دوره جهانی شدن (زمان معاصر).
بین سیاست خارجی و تفکر استراتژیک در هر کشور رابطه‌های ناگسستنی وجود دارد، به گونه‌ای که مکاتب استراتژیک یکی از ریشه‌های اصلی و عوامل تأثیرگذار در سیاست خارجی است. (Bajpai, 2010) که در زیر به تحلیل این رابطه می‌پردازیم.

الف) دوره استقلال هند یا دوره جنگ سرد

نخستین دوره سیاست خارجی هند از سال ۱۹۴۷ آغاز شد و تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ ادامه یافت. هند پس از استقلال، با رویکردی سوسیالیستی و نزدیکی به شوروی، سودای افزایش قدرت در عرصه جهانی را در سر می‌پروراند و این روند را پیگیری می‌کرد. تلاش برای اتخاذ سیاست «ضدامپریالیستی» آرمان را از طریق همکاری با جهان سوم تشکیل جنبش «عدم تعهد» و پیگیری آرمان‌های آن، ادعای نمایندگی جهان سوم و بروز گرایش‌های ضدغربی شاخص‌های اصلی این دوره هستند. (Adhikari, 2008, p 5)

«تفکرات استراتژیک نهر» در این دوره بر سیاست خارجی هند غالب است. شاخص‌های اصلی «این دوره» عبارتند از:

- الف- تلاش جهت بین‌المللی کردن هند و برقراری رابطه با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور گفت و گو، مذاکره و رابطه متقابل با سایر کشورها،
 - ب- ارتقای روابط و ایجاد صلح. همچنین انتقال ایده‌ها و فرهنگ هندی و توجه به رسانه‌ها و ملت‌ها جهت ایجاد صلح، درکنار بدبینی نسبت به امپریالیسم و کاپیتالیسم و دستیابی به حد متعادلی از قدرت نظامی و تسلیحات هسته‌ای،
 - ج- «رابطه» با آمریکا و نه «اتحاد» با آمریکا.
- در پایان نه تنها انتظارات اولیه برآورده نشد، بلکه هند از سایر رقبای منطقه‌ای خود نیز عقب ماند (توحیدی، ۱۳۸۹: ۷)

ب) دوره بعد از نهر و از سال ۱۹۹۰ به بعد

دومین دوره سیاست خارجی هند از سال ۱۹۹۰ آغاز و یک دهه ادامه یافت. فروپاشی بلوک شرق، هند را به سمت کشف راههای جدید برای برقراری روابط خارجی سیاسی و اقتصادی سوق داد؛ زیرا از یک سو پیگیری ایده‌های «نهر و» مشکلات جدی برای هند به بار آورد و از سوی دیگر هند به منظور پاسخ‌گویی به شرایط و مطالبات جدید، ناگزیر از اصلاح سیاست‌ها جهت انطباق با مسائل جاری بود (توحیدی، ۱۳۸۹: ۷). شاخص‌های اصلی سیاست خارجی هند در این دوره عبارتند از:

الف- نگرش امنیتی سخت‌افزارانه و توجه به چارچوب‌های واقع‌گرایانه همچون ائتلاف و همکاری؛ در این راستا هند تلاش کرد تا با آزمایش هسته‌ای در سال ۱۹۹۸ بر قدرت خود بیافزاید؛ زیرا تصور می‌کرد بقا و امنیت دولت‌ها در چارچوب افزایش قدرت میسر است. در این دوره نظر غالب در سیاست خارجی هند «نو واقع‌گرایی از درون واقع‌گرایان تصمیم‌ساز» است، و استراتژی‌های «نو واقع‌گرا» معتقد به لزوم دستیابی به بالاترین سطوح قدرت نظامی، عدم کارآیی قدرت نرم، اقتصاد آزاد و حل مشکلات هند با کسب قدرت نظامی و سلاح‌های استراتژیک می‌باشد. از نظر تصمیم‌سازان کشور هند اهمیت آمریکا به این دلیل است که می‌توان از طریق آن به سلاح هسته‌ای دست یافت. (Bajpai, 2010)

ج) دوره کانونی بودن منافع ملی یا عصر «جهانی شدن»

کانونی بودن منافع ملی به عنوان سومین دوره سیاست خارجی هند از سال ۲۰۰۰ آغاز گشته و تا کنون ادامه دارد. در این دوره هند محور کانونی بودن منافع ملی خویش را پذیرا بودن ارزش‌های لیبرالیستی می‌داند و تلاش می‌کند منافع ملی خود را محقق سازد. شاخص‌های اصلی سیاست خارجی این دوره عبارتند از:

الف- ورود به تعاملات اقتصادی جهانی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کم‌رنگ شدن نگرش‌های ضد غربی در سیاست خارجی هند. سیاستمداران هند بر این باور بودند که تداوم سیاست‌های ایدئولوژیک، ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره اقتصاد و

در نهایت جایگاه بین‌المللی این کشور وارد می‌کند، و در نتیجه به خط مشی‌ها و رفتارهای عملگرایانه روی آوردند (توحیدی، ۱۳۸۹: ۸).

ب- در این دوره تفکر استراتژیک نئولیبرال^۱ در سیاست خارجی هند غلبه دارد. مکتب استراتژیک نئولیبرال درسی است خارجی هند یعنی، تأکید بر منافع اقتصادی، توسعه، پیشرفت و گسترش بازار آزاد و تجویز رابطه با آمریکا را به دلیل تکنولوژی و توان اقتصادی آن کشور. بر این اساس، وابستگی متقابل در سیاست خارجی و رابطه با آمریکا به دلیل مزایای اقتصادی نهفته در این بازیگر، عامل موفقیت هند در رقابت‌های جهانی خواهد بود. (bajpai, 2010)

منافع ملی: از نظر تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشور هند منافع ملی این کشور بر هر امر دیگری اولویت دارد، بنابراین آنان در هر جایی که منافع ملی هند اقتضاء نماید حضور پیدا می‌کنند. (سعیدی، ۱۳۸۹: ۸) منافع ملی درسه دوره از سیاست خارجی هند یکی از عوامل شکل‌دهنده سیاست خارجی این کشور در کنار سایر تفکرات استراتژیک غالب در این دوره‌ها است.

دوره اول سیاست خارجی هند و مفهوم منافع ملی پس از استقلال و زمامداری نهر^۲ که عبارتند از: (۱) تحقق ارزش‌ها در سیاست خارجی، (۲) حفظ تمامیت ارضی. «به دلیل جدایی پاکستان از هند و حاکمیت حفظ تمامیت»، (۳) حمایت از جهان سوم.

دوره دوم سیاست خارجی هند و مفهوم منافع ملی و شاخص‌های این دوران عبارتند از:

۱- ورود به تعاملات اقتصاد جهانی،

۲- جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی

۳- نرمش در سیاست خارجی نسبت به کشورهای غربی و کم‌رنگ شدن نگرش‌های

ضد غربی در سیاست خارجی این کشور.

دوره سوم سیاست خارجی هند؛ این دوره منافع ملی، سیاست خارجی هند را تحت

تأثیر قرار می‌دهد به طوری که تمامی حدود ملاحظات هند محدود به منافع ملی است.

(سیکری ۱۳۸۸: ۴) مفهوم منافع ملی و شاخص‌های این دوران عبارتند از: (۱) توسعه و پیشرفت در نظام بین‌المللی. (۲) تغییر جایگاه هند از قدرت منطقه‌ای به قدرت بین‌المللی در این دوره سیاست خارجی هند تحقق بخشیدن به اهداف زیر است:

الف- در بخش نظامی، دستیابی به بمب هسته‌ای که محقق گردیده است،

ب- در بخش اقتصادی رشد پایدار اقتصادی که در یک دهه گذشته محقق شده است.

ج- در بخش سیاسی عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد است، که هنوز محقق نشده است. این امر از اموری است که ساختار نظام بین‌المللی درسی است خارجی هند مورد توجه قرار می‌گیرد.

۷. ساختار نظام بین‌الملل

از نظر نوگرایان واقع‌گرای هند، نظم و ساختار نظام بین‌الملل، محصول دوران پس از جنگ تغییر «قدرت» است. اکنون آنان بر این باورند دو قدرت هند و چین به‌عنوان کشورهایی که بیشترین رشد اقتصادی را دارند می‌بایست نقش گسترده‌تری در نظام بین‌المللی داشته باشند، از نظر تصمیم‌سازان، سیاست خارجی هند در سطح بین‌المللی نوعی عدم توازن بین «قدرت» و «ساختار» وجود دارد از این رو آنچه بین آنان مطرح است، تعریف منافع ملی هند در سطح جهانی و قرار گرفتن در ردیف قدرت‌های غربی و بزرگ است. (Feigenbaum, 2010:6) از این رو آنان بر این باورند که شرایط حال حاضر جهانی حکم می‌کند که نظام بین‌المللی جدیدی محقق شود، با توجه به این که هند در بخش نظامی دارای یکی از قوی‌ترین ارتش‌های دنیا و مسلح به سلاح هسته‌ای است، سیستم چند جانبه‌گرایی را برای نظام بین‌المللی دنبال می‌کند. (بلنداختر، ۱۳۸۸: ۴۹) بدین جهت هند خود را در کنار قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار از جمله آمریکا می‌داند، و لذا خود را ملزم به همسویی در سیاست خارجی با قدرت‌های بزرگ نمی‌داند. به عبارت دیگر هند نگرش خویش را از پای‌بندی سنتی به «قدرت استدلال» تاحدی به «استدلال قدرت» تغییر داده است. (توحیدی، ۱۳۸۷: ۶۰۵). ولی چون هند قدرتی در حال ظهور است، همچنان بعضی از ساختارها و رفتارهای ساختاری را رعایت می‌کند موضوع مهمی که در رابطه هند و آمریکا کاملاً مشهود است، این است، که هند

تلاش کرده در چهارچوب سیاست خارجی خویش روابط گسترده و سازنده‌تری با قدرت‌های بزرگ شکل دهد تا از این طریق: (۱) مانع اقدامات بازدارنده و مخرب آنان در راه توسعه هند شود. (۲) از امکانات و قابلیت گسترده آنان در جهت منافع ملی خویش بهره‌برداری نماید.

و لذا دگرگونی روابط هند با آمریکا نیز در همین چهارچوب قابل تفسیر است.

روابط هند و ایالات متحده آمریکا در گذر زمان

با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ و دگرگونی در نظام بین‌الملل این وضعیت تغییر یافت. از آن زمان به بعد، دو کشور در محاسبات استراتژیک یکدیگر نقش روزافزونی پیدا کردند. براین اساس، روابط این دو قدرت پس از جنگ سرد و به‌خصوص از اوائل هزاره جدید گسترش قابل توجهی یافته است، البته به جز هنگامی که هند در سال ۱۹۹۸ دست به آزمایش‌های هسته‌ای زد و روابط دو کشور تیره شد. (nicholas burns, 2010: 8)

در دوران زمامداری کلیتون هند به‌عنوان بزرگترین دموکراسی جهان و نیز قدرتی بزرگ و در حال رشد در آسیا مورد توجه قرار گرفت گرچه آمریکا به یک جانبه‌گرایی روی آورد بود. در زمان ریاست جمهوری «بوش» هر چند سیاست یک جانبه‌گرایی ادامه داشت ولی از نقش هند کاسته نشد. (شریعتی‌نیا، ۱۳۸۴: ص ۵). بلکه حادثه ۱۱ سپتامبر به شدت آن را تقویت کرد آمریکا در دوران بوش در سال «۲۰۰۲ سپر دفاع موشکی» حمایت هند از این طرح در تسریع و ارتقای روابط دو کشور مؤثر بود. (Mahapatra, 2002: 6) در دوران اواما پایان استفاده از سیستم نظارتی بود که از ملزومات قانون ایالات متحده است. (براساس این قرارداد آمریکایی بایست بر تمام تسلیحات خریداری شده توسط هند، اقدامات دفاعی این کشور، تغییر رفتار، سیستم دفاعی هند و در نهایت بر برخی از کشورها که از آمریکا همانند هند اسلحه می‌خرند نظارت داشته باشد. (khalid, 2010: 9) تعهدات اواما نسبت به همکاری استراتژیک هند و آمریکا شاخصی است برای سنجش همکاری استراتژیک هند و آمریکا هند دوران جنگ سرد به علت

تمایل به اقتصاد دولتی، پیشتاز بودن در جنبش اهداف خود در پی نزدیک شدن به شوروی بود، بعد از سال ۱۹۹۰ به این نتیجه رسید که برای تحقق استراتژی خود نیازمند همکاری با تنها ابرقدرت پس از جنگ سرد یعنی آمریکا است. (Mahapatra, 2010: 4)، که این امر ناشی از منافع مشترک دو کشور است. منافع مشترک دو کشور در بردارنده چهار عامل:

(۱) گسترش سلاح‌های هسته‌ای در جنوب آسیا (۲) قدرت فزاینده چین، (۳) تروریسم (۴) پاکستان به عنوان تهدیدهای مشترک، محرک منافع مشترک در روابط هند و آمریکا است.

عامل اول: گسترش سلاح‌های هسته‌ای در آسیای جنوبی بخشی از یک زنجیره رقابتی است، به گونه‌ای که هند تلاش می‌کند به بازدارندگی در برابر چین دست یابد و پاکستان نیز خواهان دست‌یابی به برابری در مقابل هند است مقامات رسمی هند (Bhumitra, 2009: 216) نیازهای انرژی در حال رشد خود مخصوصاً انرژی هسته‌ای را حوزه مناسبی برای همکاری با آمریکا می‌دانند بعد از آزمایش هسته‌ای چین در سال ۱۹۶۴ وزارت دفاع آمریکا «پنتاگون» به این نتیجه رسید که، زمینه دست‌یابی هند به سلاح هسته‌ای را با مسئولیت خود فراهم آورد. (kazi anwarul, 2009, p, 71) همکاری‌هایی که بعدها در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای بین هند و آمریکا صورت گرفت این ادعا را تأیید می‌کند. (Squassion, 2006: 12) در ۱۸ ژوئیه ۲۰۰۵ «بوش» مشارکت جهانی^۱ خود با هند را اعلام کرد که آمریکا امیدوار است، انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز به‌طور کامل برای هند فراهم گردد. (Andersen, 2010: 35). این همکاری از بعد امنیتی و از نظر دولت آمریکا موفقیتی برای رژیم عدم اشاعه بود و هند را در مسیر اصلی این رژیم «عدم اشاعه» قرار می‌داد (Squassion, 2006: 4) از بعد اقتصادی انگیزه آمریکا از انعقاد پیمان ۱۲۳ با هند است. چرا که ارزش بازار هسته‌ای و نظامی هند در سال‌های آینده به ۲۵۰ میلیارد دلار بالغ خواهد گشت. (فرزین نیا، ۱۳۸۶: ۲۲) از نظر «رابرت بلک ویل» سفیر

1. Global Partnership
2. Robert Black Will

آمریکا در هند در سال ۲۰۰۹ این قرارداد را بازگشایی روابط چین و آمریکا یا آمریکا و شوروی است.

عامل دوم: عامل دیگر هم‌گرایی و همسویی در روابط هند و آمریکا نگرانی امنیتی از جانب چین است. هر دو از جانب این تهدید چند بعدی احساس خطر کرده و درصدد ایجاد توازن در برابر این قدرت هستند. (hoey,2010: 7) آمریکا تلاش می‌کند هند را به‌عنوان قدرتی جهانی تقویت کند و از آن به‌عنوان قدرتی هم‌تراز در برابر توسعه‌طلبی چین سود جوید. توسعه وسیع در همکاری‌های اقتصادی دو کشور و تبدیل آمریکا به نخستین شریک تجاری هند، محصول احساس خطر مشترک هند و آمریکا از ناحیه چین است (Morrison,2004:2) در مورد تهدید نظامی چین، باید گفت که از دیدگاه آمریکا دگرگون شدن استراتژی نظامی چین و مدرنیزه شدن ارتش آن کشور چالشی در برابر هژمونی آمریکا است. براساس گزارش رسمی (Secretary of Defense, 2006: 1-8) که در ۲۹ دسامبر ۲۰۰۶ منتشر شد بودجه نظامی سنگین این کشور را نشانه‌ای از قصد پکن به رویاروی با حضور واشنگتن در شرق آسیا و خطری بالقوه برای برتری نظامی آمریکا در حوزه اقیانوس آرام می‌دانند (شفیعی، ۱۳۸۸: ۳۴) «تهدیدات ذهنی» بخش دیگری از تهدید چین تهدیدات ذهنی است و آن به تصویری گفته می‌شود که جهان از چین در ذهن خود می‌پروراند. این تصویر، مثبت، قدرتمند، مصالحه‌جو و مطلوب است. «جوزف نای» در چارچوب «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم» می‌نویسد: نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهد آبرو و حیثیت بین‌المللی چین افزایش یافته است (نای، ۱۳۸۷: ۲۱)

دیپلماسی عمومی چین تلاش می‌کند تا «برتری مسالمت‌آمیز چین» را بر سایرین القاء نماید این به معنی پذیرش افزایش قدرت چین در جهان خارج است. (Wang,2008: 268) از طرفی چین خود را به‌عنوان قدرت بزرگی معرفی می‌کند که بدون استعمار سایرین، به این جایگاه دست یافته، و بدین ترتیب در مقابل قدرت‌های استعمارگر تاریخ تصویر مطلوبی در ذهن سایرین می‌آفریند. چین همواره بحث چند جانبه‌گرایی در عرصه سیاست بین‌الملل را مطرح کرده که نوعی چالش برای دکتری نه‌ای آمریکایی است که دنیا را تک قطبی یا یک چند قطبی به رهبری آمریکا تفسیر می‌کنند.

(Guihong, 2005: 277) در چین هنوز اندیشه «مائو مورد توجه است. و در فعالیت‌های اقتصادی خود به دنبال ایجاد نوعی لیبرالیسم با رنگ و لعاب سوسیالیستی است. که این نیز در تضاد با ایدئولوژی لیبرالیستی آمریکا می‌باشد. (Ajwa, 2003: 77) از دیدگاه آمریکا و هند هم‌گرایی در روابط چین و روسیه به عنوان بخشی دیگر از تهدید چین است. که بعد از جنگ سرد شاهد هستیم که در قالب پیمان شانگهای «روسیه» و «چین» در یک طرف و در طرف دیگر «آمریکا» و «هند» قرار دارند. و حضور آمریکا در افغانستان علاوه بر تهدیدات نظامی و استراتژیک. (Stobdan, 2004:2) بعلاوه تلاش آمریکا برای برگزاری نشست‌های بین هند و سایر کشورهای آسیای مرکزی بعد جدیدی از این روابط محسوب می‌شود تا چین و روسیه را از آسیای مرکزی دور کرده و آسیای مرکزی را با جنوب آسیا مرتبط سازد و در عین حال موجب تحکیم روابط هند و آمریکا شود. (Tellis, 2010: 14)

عامل سوم: عامل دیگر حملات تروریستی است. حمله تروریستی به هند «بمبئی» در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱ «واشنگتن» ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ سرعت دهنده به هم‌گرایی در روابط هند و آمریکا دانست. دو قدرت از جانب تهدید مشترکی که پایتخت‌های اقتصادی آن‌ها را مورد حمله قرار داد نگران بودند و تلاش برای مبارزه با آن را در دستور کار خود قرار دادند (مقصودی، ۱۳۸۸، ۳۶). در واقع موضوع تروریسم سبب گسترش همکاری دو کشور در محورهای اطلاعاتی، شکل‌دهی به نهادهای ضد تروریسم و کمیسیون‌های سالانه مشترک از جمله دلایل. (Gary, 2009: 16). جهت مبارزه با تروریسم شد تجربه نشان داده هرگاه گروه‌های تروریستی در قدرت بیشتری یافته‌اند، پشتیبانان این گروه‌ها آن‌ها را به سوی هند کشانده‌اند. چون در «پاکستان» جنوب آسیا کشورهای هند و پاکستان سلاح هسته‌ای دارند، و این خطر وجود دارد که تروریست‌ها با دست یافتن به این سلاح‌ها دامنه تهدیدات را گسترده‌تر و مخرب‌تر سازند. (Council on Foreign Relation, 2010: 12)

عامل چهارم: پاکستان و منافع متفاوت نیروهای رادیکالی که در پاکستان آموزش می‌بینند و در افغانستان نیروهای آمریکایی را مورد حمله قرار می‌دهند، برای هند نیز تهدیدی بالقوه‌اند؛ زیرا با افزایش قدرت، فعالیت‌های تروریستی خود را به سمت هند گسترش می‌دهند. چهارمین عاملی است که موجب هم‌گرایی هند و آمریکا شده است.

تولید تروریست، مسائل هسته‌ای و کشمیر در کنار رابطه پاکستان و چین ذیل موضوع پاکستان قابل بررسی است. پاکستان علاوه بر آنکه مأمی برای تروریست‌های فعال در افغانستان است ((Nasr, 2007:19). کانون گروه‌های افراط‌گرایی هم است که از جنوب آسیا به سمت هند سراریز می‌شوند. پاکستان هسته‌ای برای هند یک تهدید در دسترس و برای آمریکا یک تهدید بالقوه محسوب می‌گردد. چین به دنبال نفوذ در افغانستان است تا از این طریق محور افغانستان پاکستان چین را تقویت کند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که مردم پاکستان به آمریکا و هند به‌عنوان دو دشمن نگاه می‌کنند و این نگاه بر تصمیمات و نگرش سیاست‌گذاران پاکستان مؤثر خواهد بود. از طرفی چین در. (Pew Global, 2009:9) منافع متفاوت در روابط هند و آمریکا: علی‌رغم انعقاد معاهده همکاری استراتژیک بین هند و آمریکا، همچنان بعضی عوامل تنش‌زا مانند، معاهده منع آزمایش هسته‌ای موسوم به سی.تی.بی.تی.، «ایران»، مسائل زیست محیطی، سازمان تجارت «عوامل واگرایی» در روابط هند و آمریکا وجود دارد. (Black Will, 2009: 45)

سازمان تجارت جهانی و حمایت هند از تولیدات داخلی از دیگر مؤلفه‌های اختلاف در روابط هند و آمریکا است. به عبارت دیگر، هند به‌عنوان یک کشور بزرگ و در حال توسعه، در موضوعاتی مانند سازمان تجارت جهانی و تغییرات زیست محیطی، منافع مشترکی با چین دارد که حتی گاه این کشور را در برابر آمریکا قرار می‌دهد. در مورد تفکیک میان طالبان خوب و بد باید گفت که هند و آمریکا دو کشوری هستند که خارج از خاورمیانه قرار دارند ولی به‌طور استراتژیک از پدیده‌ای به نام «تروریسم» تأثیر می‌پذیرند. (perkovich,2010: 40) بنابراین هر چند در روابط هند و آمریکا عوامل مؤثری برای هم‌گرایی و تعریف منافع مشترک وجود دارد، اما آن‌ها باعث دنباله‌روی و اطاعت هند از آمریکا نشده‌اند. در حقیقت منافع اقتصادی، استراتژیک و امنیتی هند علل واگرایی در روابط دوجانبه هند و آمریکا است اگرچه به‌نظر می‌رسد روابط ترامپ و مؤدی مثبت است اما تا حدودی سطحی است. گرچه ترامپ در تعامل خود با مؤدی

1. Comprehensive Nuclear-Test-Ban Treaty (CTBT)
2. (wto)

صمیمی بوده است، اما او هرگز برای دیدار با مؤدی به هند نرفته است. در نیمه اول سال (۲۰۱۸)، دولت ترامپ دو بار دور اول گفت‌وگو ۲ + ۲، یعنی نشست مشترک وزیران روسای عالی امور خارجه و روسای نظامی دو کشور را به تعویق انداخت. صرف نظر از دلیل این امر، این کار پیامی ناخوشایند برای رهبری هند فرستاده است و نشان می‌دهد که تعهد آمریکا به هند فقط لفاظی و کلامی است. دولت مؤدی از زمان روی کار آمدن ترامپ به دنبال تنوع بخشیدن به روابط دیپلماتیک خود است و به سمت کشورهای دیگری مانند آلمان، فرانسه و ژاپن می‌رود تا در تقویت روابط با آنها تلاش کند (Pande, 2018: 14). روابط دیپلماتیک قوی هند و آمریکا امروزه به‌ویژه مهم است زیرا هند و آمریکا تنها کشورهایی هستند که می‌توانند مخالفت جدی با چین داشته باشند زیرا چین در تلاش است تا نفوذ خود و هنجارهای غیرلیبرال را در سراسر آسیا گسترش دهد. اما رهبری قوی آمریکا برای سایر کشورها ضروری است تا این گروه را انتخاب کرده و به مخالفت با چین متعهد شوند. به نظر نمی‌رسد که رابطه فعلی هند و ایالات متحده برای تبدیل این اتحاد به یک نیروی ژئوپلیتیکی به اندازه کافی، قوی باشد ترامپ و مؤدی تا امروز در ساختن رابطه قدرتمندی که برای این دو دولت میراثی طولانی مدت در آسیا بجا گذارد، ناموفق عمل کرده‌اند (Sundaramurthy & May, 2018:11). احتمالاً چین بزرگترین تهدید برای منافع آمریکا و هند در آسیا است و پاسخ مشترک هند-ایالات متحده تاکنون کافی نبوده است ایران گرهی اصلی در روابط آمریکا و هند است و منبع بالقوه ایجاد تنش در روابط دو جانبه. منافع مشترک جمهوری اسلامی ایران و هند در حوزه‌های اقتصادی (نفت و گاز)، استراتژیک (موضوع افغانستان و دستیابی به آسیای مرکزی) و امنیتی (پاکستان) لایه‌های اصلی این گره را تشکیل می‌دهد بر «دهلی‌نو» از «واشنگتن» می‌دهند. علاوه بر مخالفت تجار عالی رتبه هند در برابر تقاضای رسمی تلاش جهت انزوای ایران، هند همچنان با دور چهارم تحریم‌های کنگره آمریکا علیه ایران برای متوقف کردن صادرات بنزین و نفت تصفیه شده به این کشور و همچنین سرمایه‌گذاری در بخش انرژی آن مخالفت کرده است. (Black Will, 2009:45)، هند بر مخالفت خویش با تحریم‌های آمریکا بعد از خروج این کشور از برجام هم همچنان پافشاری می‌نماید.

۸. جایگاه ایران در روابط هند و آمریکا

با توجه به رشد سریع روابط هند و آمریکا پس از نهایی شدن قرارداد استراتژیک، تبیین تأثیر روابط هند و آمریکا بر منافع اقتصادی سیاسی در خاورمیانه درای رابطه برخی مدعی هستند آمریکا برترین و مؤثرترین جهت دهنده سیاست خارجی هند است. اما به نظر می‌رسد که این رویکرد آمریکا محور در شناخت موقعیت ایران در خاورمیانه به بی‌راهه رفته است. هر چند در سال‌های اخیر آمریکا به عنصر گریزناپذیر در سیاست خارجی ساختار نظام هند تبدیل شده، اما فهم واقعی رویکرد هند نسبت به ایران نیازمند شناخت عوامل موثر بر تصمیم‌سازان هند است.

۸۵

دیدگاه تصمیم‌سازان هند به ساختار نظام بین‌الملل

در ساختار نظام بین‌المللی نو واقع‌گرایان بر این باورند که واحدهای نظام بین‌المللی تابع قید و بندهای ساختاری نظام بین‌الملل هستند و بازیگران اصلی سیستم، قدرت‌های بزرگند. از نظر هند، نظم بین‌المللی و ساختار نظام بین‌الملل قدیمی است و اکنون شرایط ساختاری و واقعیات قدرت تغییر کرده است. دو قدرت چین و هند به‌عنوان کشورهای که بیشترین رشد اقتصادی و جمعیت را دارند باید از سازنده و نقش گسترده‌تری در نظام بین‌الملل برخوردار باشند. درباره موضوع ایران هم باید گفت که اکنون هند به لحاظ قدرت و جایگاه بین‌المللی قابل مقایسه با یک دهه گذشته نیست. در این سیستم هند خود را در کنار آمریکا از جمله کشورهای تأثیرگذار نظام بین‌الملل می‌داند. هند مانند گذشته، خود را ملزم و پای‌بند به همسویی سیاست‌هایش با خط‌مشی قدرت‌های بزرگ ندانسته و تا جایی پیش می‌رود که قرارداد خرید تجهیزات نظامی از آمریکا را یک جنبه لغو می‌کند. از سوی هند براساس قدرت و نگرش خویش در صحنه بین‌المللی می‌خواهد از نقش بیشتری برخوردار باشد و در این را سعی دارد به عضویت «شورای امنیت سازمان ملل» درآید و سعی هم دارد همچنان در نظام بین‌المللی فعلی قواعد رفتاری و ساختاری را رعایت نماید که با منافع ملی هند در تضاد نباشد، رأی هند بر علیه ایران در آژانس انرژی اتمی نمایان‌گر رعایت موارد مذکور است. هند در چارچوب رفتاری و ساختاری سیاست خارجی توسعه‌گرا تلاش کرده تا روابط هر چه گسترده‌تر و

سازنده‌تری با قدرت‌های بزرگ شکل دهد تا از یک‌سو مانع اقدامات ویران‌گر آنان در راه توسعه این کشور شده و از دیگر سو، از امکانات و قابلیت‌های گسترده این قدرت‌ها در این بخشی از «سازه انگار» و «گفتمانی» مسیر بهره‌گیرد (توحیدی، ۱۳۸۷: ۶۰۵). از این‌رو رعایت بایسته‌های سیاست خارجی توسط هند را باید بخشی از دیدگاه آمریکا در قبال ایران در مقابل با ایده‌های هند و همگام با آن دانست. در حقیقت آمریکا و ایده‌های این کشور بخشی از نظام بین‌الملل است که گاهی به سایر بازیگران تسری می‌یابد. به عبارت دیگر قدرت در حال ظهوری مانند هند نیازمند رعایت بعضی بایسته‌های مدنظر آمریکا است. اما هند با آن که برخی از نگرش‌ها و رویکردهای آمریکا را رعایت می‌کند، تا زمانی که نیاز مبرم به حمایت از آمریکا در حوزه‌های مختلف داشته باشد نوعی از دیپلماسی متعادل‌کننده را پیگیری می‌کند به نحوی که در عین انطباق با منافع ملی خود، موجب نارضایتی آمریکا نگردد. آمریکا تلاش دارد تا در ارتباط با، هند ایران را تحت فشار قرار دهد. در همین رابطه، ایالات متحده نگرانی خود را نسبت به خط لوله «هند - پاکستان ایران» اعلام داشته و آن را به زعم خود کمک به بودجه برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از فعالیت‌های تروریستی قلمداد کرده است. (Kronstadt, 2007:15) در شرایط کنونی نزاع آمریکا با جمهوری اسلامی ایران ماهیتی همه‌جانبه یافته، به گونه‌ای که این نزاع در عرصه‌های سخت و نرم، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی و با ابعاد ساختاری (ساختار نظامی بین‌الملل، سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی) و غیرساختاری جریان دارد. جنبه‌های تأثیرگذار آمریکا بر سیاست هند علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در سه بخش اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی طبقه‌بندی کرد.

۱- یک فرض آمریکا آن است که تحت فشار قرار دادن ایران و تضعیف اقتصادی ایران می‌تواند مانع از پیگیری ایده‌ها و اهداف برآمده از ماهیت پسا انقلابی ایران باشد. در یک دهه گذشته ۱۲ تا ۱۴ درصد از نفت ایران به هند صادر شده است. همچنین قرارداد استراتژیکی با عنوان خط لوله صلح، از سوی دو طرف پیگیری می‌شود. از نظر سیاستمداران آمریکایی تلاش برای تضعیف یا قطع ارتباط ایران و هند، هم به معنای

منزوی سازی ایران و هم به معنای تضعیف اقتصادی ایران است. عدم نهایی سازی خط لوله صلح و عدم پرداخت بهای نفت وارداتی از ایران نمونه‌های بارز این تأثیر است. در مورد موضع هند نسبت به خط لوله ایران به هند باید گفت که بدگمانی‌های موجود بین هند و پاکستان و ترس از تروریست‌ها در این مسیر مانع اصلی احداث خط لوله صلح است. اگر این موضوعات هم حل شود همچنان بحث بر سر قیمت که از نظر هند قیمت پیشنهادی ایران بالا است باقی است عدم پرداخت بهای نفت وارداتی از ایران (3). (Mitra, 2006: در این رابطه مانع ایجاد کرد و در نهایت نیاز هند سبب شد تا بدهی هند از طریق بانکی در ترکیه پرداخت شود. بنابراین قبل از آن که آمریکا به‌عنوان مانع اصلی ایجاد خط لوله صلح عمل کند، محاسبات استراتژیک، امنیتی و اقتصادی هند مانع از تحقق آن است.

۲- «موضوع تحریم‌ها» یکی دیگر از موارد اقتصادی تأثیر آمریکا بر سیاست خارجی هند در قبال ایران است. به لحاظ اقتصادی تحریم ایران، موضوعی است که هند را در امور داخلی با مشکل مواجه می‌سازد. همواره مقامات رسمی هند از قبیل وزیر خارجه و نخست‌وزیر در کنار مردم هند، با تحریم، ایران مخالفت کرده‌اند؛ زیرا بخشی از امنیت انرژی هند به ایران گره خورده است (fair, 2006: 145) تحریم‌ها سبب شده امارات به‌عنوان کشور ثالث و میانجی کالاهای غیر نفتی میان ایران و هند به ایفای نقش پردازد (مهدوی، ۱۳۸۹: ۱۱). از این‌رو در بخش اقتصادی، تأثیر آمریکا بر سیاست خارجی هند عامل درجه سوم یا حتی چهارم است و قبل از آن منافع ملی هند، مسائل امنیتی و قیمت‌گذاری (خط لوله صلح)، نقش دارد. می‌توان گفت که هند در امور اقتصادی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران همگام و همراه آمریکا و غرب نیست. (newby, 2010: 9).

۱- در بخش سیاسی باید به آراء هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی،
۲- حمایت سیاسی از ایران، هند در موضوعات مربوط به حقوق بشر در قالب توجه کرد. «جنبش عدم تعهد» توجه کرد.

۳- آن چه به‌عنوان «تأثیر ایالات متحد بر سیاست خارجی هند در قبال جمهوری اسلامی» مطرح می‌شود عبارتند از:

الف- سه رأی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی؛ زیرا با توجه به این آراء فرض بر آن است که چون آمریکا در رأس مقابله با پرونده هسته‌ای ایران قرار دارد، در نتیجه هم‌رأی بودن هند با آمریکا را باید به معنای تأثیر آمریکا بر هند تلقی کرد. کنگره آمریکا به هنگام تصویب قرارداد همکاری استراتژیک با هند از دولت آمریکا می‌خواهد که از رأی هند علیه ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اطمینان یابد. (Squassion, 2006: 12) زیرا از نظر تصمیم‌سازان هند دو موضوع ساختار نظام بین‌الملل و منافع ملی دو رأی هند علیه ایران در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ همگام با منافع ملی هند است؛ زیرا در این مقطع قرارداد استراتژیک هند و آمریکا آخرین مراحل رسمی و بروکراتیک را سپری می‌کرد و با نهای شدن این قرارداد هند عضو باشگاه هسته‌ای می‌شد. با تصویب این قرارداد ورود تکنولوژی، رفع تحریم‌های آمریکا علیه هند که پس از آزمایش هسته‌ای هند وضع شده بود و انتقال تجهیزات نظامی آمریکایی به هند میسر شد.

ب- رأی هند در سال ۲۰۰۹ با توجه به اهداف سیاست خارجی این کشور و ساختار نظام سازمان ملل به‌عنوان یکی از سه ضلع «شورای امنیت» بین‌الملل قابل تفسیر است. کسب کرسی دائم در اهداف استراتژی کلان سیاست خارجی هند مستلزم کسب حمایت برخی از کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا است.

ج- غرب در مورد پرونده هسته‌ای ایران نوعی هنجار بین‌المللی تولید کرده؛ یعنی رأی علیه ایران هنجار بین‌المللی و موافقت با اقدامات ایران ناهنجاری تلقی می‌گردد. در نتیجه، برای هند رأی علیه ایران، یک رفتار بین‌المللی بهنجار و گامی بایسته برای تصاحب کرسی دائم سازمان ملل تعریف می‌گردد.

د- هند ۲۰۱۰ برخلاف موضوع هسته‌ای، هند هیچ‌گاه در شورای حقوق بشر و سایر نهادهای حقوق بشری علیه ایران نه تنها رأی نداده، بلکه همواره رأی آن در حمایت از ایران بوده است

ه- هند می‌خواهد بین امور سیاسی و اقتصادی تفکیک قائل گردد، در امور سیاسی تا نیمه راه با غرب همراه می‌شود، اما در امور اقتصادی همراهی ندارد. جنبش عدم تعهد به‌عنوان بخشی از رفتارهای ساختاری نظام بین‌الملل و به‌عنوان یک بازیگر سیاسی، در

حمایت از برنامه هسته‌ای ایران بیانیه‌های متعددی صادر نموده و هند به‌عنوان یکی از اعضای محوری این جنبش، هم‌گام با سایر اعضا حامی ایران بوده است. (Afrasiab, 2010: 6) (برخی محافل هندی مدعی‌اند رأی ممتنع هند به قطعنامه انتقادی سازمان ملل متحد درباره وضع حقوق بشر در ایران در واکنش به پیام سالانه حج رهبر جمهوری اسلامی ایران در مورد «کشمیر» نوامبر ۲۰۱۰ (آبان ۱۳۸۹) بود که واژه ملت را برای مردم کشمیر به کار بردند و هند حقی را برای این ملت به رسمیت نمی‌شناسد.) (Khamenei's Observation on Kashmir, 2010, 5)

۸۹

ز- تأثیر تبلیغات آمریکا بر سیاست خارجی هند: در این بخش، هند به‌عنوان بخشی از سیستم کلان بین‌المللی در معرض همان تبلیغات فراگیری است که دیگر اعضا از سوی آمریکا علیه ایران قرار دارند. تأثیر تبلیغات آمریکا علیه ایران بر هند را می‌توان در سیاست خارجی این کشور مشاهده کرد؛ زیرا هند ضمن حفظ استقلال خود در حوزه سیاست خارجی، بخشی از هنجارهای بین‌المللی تولید شده توسط آمریکا را رعایت می‌کند و این امر را می‌توان در به تأخیر انداختن قرارداد خط لوله صلح و رأی هند در آژانس مشاهده کرد.

تأثیر جامعه داخلی و نخبگان در سیاست خارجی هند: تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی هند اکنون در دست، نخبگان داخلی هند است. و نسبت به رابطه با ایران واکنش‌های متفاوتی نشان داده‌اند.

الف: طرفداران مکتب نهرو، مسلمانان، چپ‌ها و نهروئیست‌ها موافق رابطه با ایران هستند. گرایش استراتژیک نسبت به جمهوری اسلامی ایران، نوعی گرایش سستی در جامعه هند است و متعلق به دوران پسا استقلال هند است. هر چند در حال حاضر این گروه‌ها در سیاست خارجی نفوذ کمتری دارند، اما توجه به گرایش‌های آنان جهت کسب آراء در انتخابات حائز اهمیت است. «نهروئیزم» همگام با جمهوری اسلامی است. و بر این باور که آسیا باید برای آسیایی‌ها باشد و مخالف دخالت آمریکا هستند و می‌گویند آمریکا نباید در این منطقه مداخله کند. در این نگرش ایران به‌عنوان کشوری مهم، باستانی، دارای تمدن غنی و نزدیک به هند، بسیار حائز اهمیت است. ارزش‌های ایران در خصوص نظام بین‌الملل با نگرش این گروه از استراتژیست‌های هندی انطباق

دارد. تضاد با آمریکا و همکاری با پاکستان از ویژگی‌های مشترک در بینش جمهوری اسلامی و رویکرد نهرئوئیزم است. (bajpai,2010: 13)

ب: نئولیبرال‌ها، با ایران اتمی موافق نیست؛ زیرا نمی‌خواهد قدرت اتمی جدیدی در «پسا نهرئوئیزم» اما نگرش در منطقه شکل گیرد. بر اساس شواهد و دلالت‌های تاریخی، ایران پاکستان را بر هند ترجیح می‌دهد و باور آنان این است که این امر خطری برای قدرت و برتری هند خواهد بود. نئولیبرال‌ها، تمدن ایران را بی‌اهمیت می‌پندارند؛ زیرا در رویکرد آنان هدف افزایش قدرت است. و معتقدند که ایران به دلیل دارا بودن ذخائر نفت و گاز و دسترسی به آسیای مرکزی برای هند اهمیت و مزیت دارد، و در رابطه با ایران نظرشان مبتنی بر بده‌بستان بوده و نه نگرش تمدنی که از نظر آنان جایگاهی ندارد. (bajpai,2010: 15)، آن‌ها که اکنون در حزب‌های «کنگره» و «بهاراتیا جاناتا» جای گرفته‌اند نئولیبرال‌ها رهبری سیاست خارجی هند را بر عهده دارند و در کنار آمریکایی‌های هندی تبار، در چارچوب تفکر استراتژیک دوره جهانی شدن، مخالف انتخاب ایران در برابر آمریکا هستند. از نظر این گروه منافع رابطه با آمریکا سودمندتر از رابطه با ایران است. تقویت جایگاه هند مرهون نقش روزافزون آمریکایی‌های هندی تبار در سامانه اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آمریکا است، افرادی که درصدد حفظ پیوند با سرزمین مادری نیز هستند. (سجادپور، ۱۳۸۸: ۳۹)

منافع ملی: همان‌طور که بیان شد جامعه داخلی هند و ساختار نظام بین‌الملل موثر در سیاست خارجی هند می‌باشد، ولی دلیل برتر در سیاست خارجی هند منافع ملی این کشور است. در واقع منافع ملی نقطه کانونی جهت‌گیری سیاست خارجی هند است. ما نفع ملی هند در ارتباط با ایران را می‌توان در دو حوزه اقتصادی و امنیتی استراتژیک تقسیم‌بندی کرد که دربرگیرنده منافع ایران نیز در منطقه و خاورمیانه می‌باشد:

الف- نیازهای هند و منافع ایران در خاورمیانه: عامل آسیای مرکزی

آسیای میانه از جمله مناطقی است که مورد توجه هر دو کشور می‌باشد. قبل از فروپاشی شوروی روابط هند با آسیای مرکزی از طریق مسکو صورت می‌پذیرفت اما پس از

فروپاشی شوروی ایران به دروازه ورود هند به این کشورها تبدیل شد چنان که هند از طریق ایران روابط اقتصادی، تکنولوژیکی و فرهنگی خود را با آنها برقرار می‌سازد. راه ترانزیتی ایران جهت تسهیل دسترسی هند به آسیای مرکزی به نفع تهران نیز خواهد بود؛ خصوصاً اینکه بتواند به توسعه زیرساخت‌های حمل و نقلی و دریایی منجر شود. در این خصوص گام‌های جمعی نیز توسط دو طرف برداشته شده است. در سال ۱۹۹۵ موافقت‌نامه‌ای میان ایران- ترکمنستان و هند جهت ایجاد کریدور حمل و نقلی که آسیای مرکزی را به هند متصل کند به امضا رسید که طبق آن، این کریدور از طریق راه‌های شوسه و شبکه ریلی ایران، آسیای مرکزی را به بندر امام خمینی متصل می‌کند که موجب دسترسی کالاهای هندی به آسیای مرکزی و افغانستان می‌گردد. همچنین هند موافقت نموده است تا در طرح توسعه بندر چابهار مشارکت نموده و در اتصال این بندر به راه‌آهن که در نهایت اتصال به اروپا و آسیای مرکزی را فراهم می‌سازد، مساعدت نماید.

۹۱



تأثیر روابط
اقتصادی - امنیتی
هند-آمریکا بر
روابط ایران و هند

بخش دیگر همکاری اقتصادی ایران و هند کریدور حمل و نقل شمال- جنوب است. این کریدور حاصل توافق سه کشور ایران، هند و روسیه در سال ۲۰۰۰ است که طبق آن بمبئی از طریق بندرعبارس به سن پترزبورگ روسیه متصل می‌گردد که در نتیجه آن اقیانوس هند به دریای بالتیک و اروپا متصل خواهد شد. این کریدور نه تنها موجب افزایش حجم تجاری هند با ایران و آسیای مرکزی می‌شود، بلکه موجب صرفه‌جویی در زمان و هزینه جهت ترانزیت کالاهای هندی به منطقه شده و در نهایت قدرت و رقابت اقتصادی هند را در بازار منطقه افزایش خواهد داد. سیاست خارجی عمل‌گرایانه و ضرورت توسعه اقتصادی، مواضع سه کشور افغانستان، هند و ایران را به یکدیگر نزدیک کرده است. افغانستان به یک بندر و نفت نیاز دارد. ایران به فروش نفتش نیاز دارد. هند می‌خواهد برای کالاهای خود در آسیای میانه بازار پیدا کند و نفت مورد نیاز خود را نیز به راحتی تأمین کند. وابستگی‌های سه کشور به یکدیگر برای تأمین نیازهایشان نکته‌ای نیست که بتوان آن را به سادگی نادیده گرفت.

ب- نیازهای هند

در حال حاضر تقاضای گاز هند روزانه «۲۰۰» میلیون مترمکعب اعلام شده و پیش‌بینی شده این میزان در سال ۲۰۲۵ به «۴۰۰» میلیون مترمکعب در روز بالغ گردد. در صورت نهایی شدن خط لوله صلح ۱۸ درصد از انرژی هند توسط ایران تأمین خواهد شد، با این پروژه آمریکا مخالف ولی هند خواهان اجرای پروژه و رفع موانع که از نظر هند قیمت‌گذاری و پاکستان است. (Dadwal, 2010, p.50) می‌باشد، این امر شاهدهی است بر عدم توافق هند و آمریکا در آینده، (sprctor, 2008) چرا که هند می‌خواهد خواسته خود را با لحاظ نمودن منافع کشورهای طرف تجاری خویش و با حفظ منافع ملی خویش عملی نماید. حجم روابط هند و ایران حتی پس از قرارداد همکاری استراتژیک هند و آمریکا افزایش یافته و امارات متحده عربی که در سال‌های بعد از انقلاب اولین شریک تجار ایران بوده به مسیر مبادله غیر مستقیم ایران و هند تبدیل شده است. (حیدری: ۱۳۸۹: ۱۴) در حقیقت نیاز هند به انرژی ایران و نگاه منفعت محور آن به آینده سبب پرداخت بها و هزینه‌های لازم برای نفت وارداتی از ایران و منافع سیاسی و اقتصادی ایران شده. دور چهارم تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد - یعنی قطعنامه ۱۹۲۹ که در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ علیه ایران صادر شد هند را بر آن داشت تا به دنبال راه‌های جایگزین و همکاری با شرکت‌هایی باشد که هنوز تحت تحریم قرار نگرفته‌اند. هند به سرعت نسبت به دور جدید تحریم‌ها علیه ایران در سال ۲۰۱۰ اعتراض کرد. (k.kerr, 2010: 45)

ج- آسیای میانه

آسیای میانه از جمله مناطقی است که مورد توجه هر دو کشور می‌باشد. قبل از فروپاشی شوروی روابط هند با آسیای مرکزی از طریق مسکو صورت می‌پذیرفت اما پس از فروپاشی شوروی ایران به دروازه ورود هند به این کشورها تبدیل شد چنان که هند از طریق ایران روابط اقتصادی، تکنولوژیکی و فرهنگی خود را با آن‌ها برقرار می‌سازد. راه ترانزیتی ایران جهت تسهیل دسترسی هند به آسیای مرکزی به نفع تهران نیز خواهد بود؛ خصوصاً اینکه بتواند به توسعه زیرساخت‌های حمل و نقلی و دریایی منجر شود. در این

خصوص گام‌های جمعی نیز توسط دو طرف برداشته شده است. در سال ۱۹۹۵ موافقت‌نامه‌ای میان ایران- ترکمنستان و هند جهت ایجاد کریدور حمل و نقلی که آسیای مرکزی را به هند متصل کند به امضا رسید که طبق آن، این کریدور از طریق راه‌های شوسه و شبکه ریلی ایران، آسیای مرکزی را به بندر امام خمینی متصل می‌کند که موجب دسترسی کالاهای هندی به آسیای مرکزی و افغانستان می‌گردد. همچنین هند موافقت نموده است تا در طرح توسعه بندر چابهار مشارکت نموده و در اتصال این بندر به راه‌آهن که در نهایت اتصال به اروپا و آسیای مرکزی را فراهم می‌سازد، مساعدت نماید. بخش دیگر همکاری اقتصادی ایران و هند کریدور حمل و نقل شمال- جنوب است. این کریدور حاصل توافق سه کشور ایران، هند و روسیه در سال ۲۰۰۰ است که طبق آن بمبئی از طریق بندرعبارس به سن پترزبورگ روسیه متصل می‌گردد که در نتیجه آن اقیانوس هند به دریای بالتیک و اروپا متصل خواهد شد. این کریدور نه تنها موجب افزایش حجم تجاری هند با ایران و آسیای مرکزی می‌شود، بلکه موجب صرفه‌جویی در زمان و هزینه جهت ترانزیت کالاهای هندی به منطقه شده و در نهایت قدرت و رقابت اقتصادی هند را در بازار منطقه افزایش خواهد داد. اما باید به یاد داشته باشیم که در تحلیل نهایی برای آمریکا تسلط بر مرکز نوهارتلند در منطقه یعنی جغرافیایی ایران از اهمیت ژئواستراتژیک برای هندسه جهانی قدرت در نظام بین‌الملل داراست. لذا ایران هدف اصلی همه این تحریکات در این منطقه باقی خواهد «آن بخش از جهان که "خاورمیانه" خوانده می‌شود و در حقیقت مجموعه‌ای است از چند منطقه ژئوپولیتیک جداگانه و متمایز همانند خلیج فارس، شامات، شمال آفریقا که هر یک به دلیل هماهنگی موجود در پدیده‌های محیطی خود، یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است» (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۴). منطقه خلیج فارس با پشت سر گذاردن یک صد سال از اهمیت یافتن تاریخی به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و هم چنین تحولات در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و بالتبع امنیتی در منطقه، در کانون توجه بسیاری از قدرت‌ها بوده است. در نیم قرن اخیر، بدون تردید، خلیج فارس یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق جهان در نگرش‌های ژئوپولیتیک و محاسبات استراتژیک بوده است، و با توجه به دگرگونی‌های عمیق و جاری در سطح بین‌الملل، جنگ‌ها و

درگیری‌های دو دهه اخیر، انقلاب ایران و مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل می‌توان ادعا کرد که در قرن بیست و یکم می‌رود که: به صورت مهمترین کانون توجه نگرش‌ها و محاسبات استراتژیک درآید و به تعبیر کلاسیک ژئوپولیتیک، هارتلند یا قلب زمین نام گیرد

نتیجه‌گیری

هند پس از استقلال در سال ۱۹۴۷ سه دوره کاملاً متفاوت تجربه نمود که سیاست خارجی این کشور را هم تحت تأثیر قرار داد. هند در هر دوره از سیاست خارجی هنجار محور فاصله گرفته و از طریق رعایت ارزش‌های مبتنی بر افکار و با ماهیتی عمل‌گرا در پی تحقق بیشتر منافع ملی بوده است. علاوه بر آن هند در سیاست خارجی خود بر اساس مکتب تفکر استراتژیکی که اکنون در این کشور غالب است به سمت هم‌گرایی با آمریکا حرکت کرده، و در بین قدرت‌های در حال ظهور، این کشور را وادار به رعایت برخی از هنجارهای نظام بین‌المللی می‌کند. اما چون هند منافع ملی را مهمترین محور سیاست خارجی می‌داند، عنصر منافع ملی نقش عامل متوازن‌کننده را در سیاست خارجی و داخلی این کشور بازی می‌کند. در یک دهه گذشته روابط هند و آمریکا با طی مسیری صعودی سبب تغییرات اساسی در رویکردهای سیاست خارجی هند شده است. یکی از این تغییرات را می‌توان در رویکرد سیاست خارجی هند در قبال ایران مشاهده کرد و در این رابطه با دو رویکرد متفاوت مواجه هستند: رویکرد همگرایی، رویکردهای اغراق‌آمیز معتقد به هم‌گرایی تام در روابط هند و آمریکا و تأثیر حداکثری ایالات متحده بر سیاست خارجی هند در قبال ایران است. عنصر واقعیت ایران و منافع ایران خاورمیانه و در روابط هند و آمریکا را تبیین می‌نمایند. رویکرد واگرایی، در این رویکرد ایران به دلیل مزیت استراتژیک، اقتصادی و امنیتی، مهم‌ترین و پایدارترین اختلاف را در این رابطه شکل می‌دهد. سه مؤلفه ساختار نظام بین‌الملل، تصمیم‌سازان هند و منافع ملی عوامل اصلی جهت دهی به سیاست خارجی هند است. ساختار نظام بین‌الملل در کنار قدرتهای بزرگ، رفتارهای و فشارهای را علیه ایران بر هند تحمیل می‌کنند و هند نیز به دلیل قرار گرفتن در موقعیت یک قدرت در حال ظهور، در برخی موارد خود را ملزم به

رعایت می‌نماید، و جایگاه ایران، مزیت‌های و منافع آن را در جهان و خاورمیانه نادیده نمی‌گیرد. از این رو علیرغم ارتقاء روابط هند و آمریکا و نیازهای هند و منافع ملی این کشور در ارتباط با ایران و منافع اقتصادی و سیاسی آن در خاورمیانه، مانعی است که روابط هند و آمریکا موثر در آن باشد.

منابع

- بلند اختر، م. (۱۳۸۸). «ساختار و توانمندی نظامی هند». *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، ۷ توحیدی، ا. (۱۳۸۶، مرداد). *رویکرد نوین سیاست خارجی هند. قدرت‌های آسیایی*، مرکز تحقیقات استراتژیک، تاریخ.
- توحیدی، ام‌البنین. (۱۳۸۷). *سیاست خارجی توسعه‌گرا؛ بررسی تجربی هند*. در محمود واعظی، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- تقی‌زاده مصطفی. ۱۳۸۸. «سازمان همکاری منطقه‌ای آسیایی جنوبی و نقش آن در توسعه همکاری‌های منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴.
- جیه چی، ی. (۱۳۸۸). *سیاست خارجی چین در سال ۲۰۰۹: سخنرانی یانگ جیه چی در کنگره ملی خلق چین (ترجمه فرامرز جنتی)*. رویدادها و تحلیل‌ها، ۲۵ و ۲۶ سجاد پور، محمدکاظم. (۱۳۸۸). «تبادل سخت: سیاست آمریکا در شبه قاره هند». *همشهری دیپلماتیک*، ۳۲ و ۳۳
- سیکری، فتاح. (۱۳۸۸). *روابط ایران و هند*. تهران: دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران.
- سلیمان پور، هادی، مولایی، عبدالله. (۱۳۹۲). «قدرت‌های نوظهور در دوران گذار نظام بین‌الملل»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره اول.
- شریعتی‌نیا، مرتضی. (۱۳۸۴). *روابط استراتژیک هند و آمریکا*، گزارش راهبردی (مرکز تحقیقات استراتژیک)، ۱۵.

شفیعی، نوذر. (۱۳۸۷، خرداد). «ایران و عدم درک سیاست خارجی هند» سایت خبری آفتاب نیوز. بازیابی شده از:

http://www.aftabir.com/articles/view/politics/iran/c1c1213703954_iran_india_p1.php، (۱۱ اردیبهشت)، تاریخ دسترسی ۱۳۸۹.

شفیعی، نوذر. و قنبری، فرهاد. (۱۳۸۸). «جایگاه هند در سیاست خارجی امریکا پس از جنگ سرد». *اطلاعات سیاسی*، (۹ و ۱۰) اقتصادی

فرزین‌نیا، زیبا. (۱۳۸۸). *مثلث آسیایی: چین، هند و پاکستان*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، «ایده‌های ژئوپولوتیک و واقعیت‌های ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده»، چاپ اول، تهران: نشر نی.

مرشایمر، جان. (۱۳۸۸). *تراژدی سیاست قدرتهای بزرگ*، ترجمه غ. چگینی‌زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۸). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.

مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*. تهران: سمت.

مقصودی، مجتبی. و حیدری، شقایق. (۱۳۸۸). *دگرگونی مفهوم تروریسم در مورد هند*. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ۲۳

مهدوی، غلامحسین. (۱۳۸۹). «جایگاه حوزه انرژی ایران در چشم‌انداز دیپلماسی نوین انرژی هند». گزارش توجیهی رایزن اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در هند، دهلی‌نو.

نای، جرج. (۱۳۸۷). *سلاح‌ها و طلاها*، ترجمه س. س. علوی نائینی، همشهری دیپلماتیک، (۲۹ و ۲۸)

نهری، جواهر لعل. (۱۳۶۱). *کشف هند*، ترجمه م. تفضلی، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مارتین، لی نورجی. (۱۳۸۳). «چهره جدید امنیت در خاورمیانه»، ترجمه قدیر نصری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۳۵.

هادیان، ناصر. (۱۳۸۲). «سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، ۱۷.

- Adhikari, Sudhil. (2008). India's changing geopolitical code: An attempt at analysis. *Geopolitics Quarterly*, 3(4).
- Afrasiabi, Shahab. (2010, Sep 17). None Alignment Movement backed Iran. *Asia TimeOnline*. Available at: http://www.atimes.com/atimes/Middle_East/LI17Ak02.html, (accessed on 2012, April 4).
- Andersen, K. W. (2010). Reviving the momentum in US engagement with India: an American perspective. *India Quarterly*, 66 (1).
- Bajpai, K. (2010). *Indian strategic thought*. New Delhi: Javaher Lale Nehro University (JNU).
- Bajwa, Robert. (2003). A comment on the July 2002 report of the US-China Security Review Commission. *China Report*, 39, 77-79.
- Brago, Pia Li, (2015) China Ignores Global Outcry vs Reclamations, *"The Philippines Star*.
- Bhumitra, C. (2009). *Pakistan's nuclear weapons*. Great Britain: Rutledge.
- Baldwin, David A (ed)(1993), *Neorealism and Neoliberalism: theContemporary Debate*, New York, Columbia University Press.
- Bhumitra, C. (2009). *Pakistan's nuclear weapons*. Great Britain: Rutledge.
- Black Will, R. (2009, May 6). The future of US-India relations. *Financial Times*. available at: <http://www.rand.org/commentary/2009/05/06/FT.html>, (accessed on, 2012 April 8).
- Burns, N. (2007, November/December). America's strategic opportunity with India. *ForeignAffairs*, available at <http://www.foreignaffairs.com/articles/63016/r-nicholas:burns/americasstrategic-opportunity-with-india>, (accessed on 2012, April 9).
- China Secretary of Defense (2006). *Military power of the People's Republic of China*, OfficeoftheSecretaryof Defense. available at: <http://www.defense.gov/pubs/pdfs/china%2006.pdf>, (accessed on 2010April 4)
- Council on Foreign Relations (2010, Jan). *AF_PAK strategy*. available at: http://www.cfr.org/content/publications/attachments/Pakistan_AfghanistanTFR65.pdf, (accessed on 2012, June 12)

- Dadwal, R. (2010, June 8). US Sanctions on Iran and their impact on India-Dadwal, R. (2010, June 8). US Sanctions on Iran and their impact on India, Analyses(IDSA),NewDelhi.9 available,at:http://www.idsa.in/system/files/IB_USSanctionsonIran.pdf accessed on 2012, July 2.
- Fair, C. (2007). India and Iran: New Delhi's balancing Act. The Washington Quarterly, 30(3), 145-159.
- Feigenbaum, E. (2008, April 8). Strategic context of U.S.-India relations. Briefing to Harvard University Weatherhead Fellows, Washington, D.C. available at: <http://merln.ndu.edu/archivepdf/india/State/103809.pdf>, (accessed on 2012, May 23)
- Gary, R. (2009, Feb 26). Building a strategic partnership: U.S.-India relations in the wake of Mumbai. The House Subcommittee on the Middle East & South Asia(Washington,DC),1516.Avalableat:<http://foreignaffairs.house.gov/111/ackerman022609.pdf>, (accessed on 2012), May 12.
- Guihong, Z. (2005, June 1). US-India strategic partnership: Implications for China. International Studies, 42, 277-293.
- Hoey, M. (2010, June 1). Space weapon should be part of upcoming U.S-India strategic dialogue. available at: <http://www.spacetransparency.org>, accessed on 2012, July 17.
- India changed its vote at U.N. for some other reason: Iran (2010, April 14). The Hindu.available at:<http://www.thehindu.com/news/national/article915450.ece>, (accessed on, 2012 March 10.
- Kashmir(2010,November5).TheHindu.availableat<http://www.thehindu.com/news/national/article896744>.
- K. Kerr, P. (2010, Oct 28). U.S. nuclear cooperation with India: Issues for Congress. Congressional Research Service, CRS Report for Congress.available at: <http://fpc.state.gov/documents/organization/150169.pdf45>, accessed on 2012, July 8.
- Kazi Anwarul, M. (2009). China factor in the Indo-U.S relations. South Asia Analysis, 143.
- Khalid, A. (2009, Oct 16). US and India achieve breakthroughs on Key defense deal. News of us India, Council Defiance Talk, Global Defense andMilitary Portal. available at: <http://www.defencetalk.com/us->

- and-indiaachieve-breakthrough-on-key-defense-deal-20553/,
(accessed on 2012, August 27).
- Kronstadt, K. (2007, June 26). India- U.S relations, foreign affairs, defense, and tradedivision.CongressionalResearchService,15.availableathttp://fpc.state.gov/documents/organization/88044.pdf, (accessed on2012), August 13.
- Mahapatra, C. (2010). India and US. New Delhi: Javaherlal Nehro University JNU.
- Mitra, P. (2006, March 8). India-Iran relations: Changing the tone?. Center for StrategicandInternationalStudies(CSIS),3.availableat:http://csis.org/files/media/csis/pubs/sam92.pdf, (accessed on 2012, March
- Morrison, W. (2004, Feb 25). India-U.S. economic relations, Congressional ResearchService,CRSReportforCongress.3.availableat:http://fpc.state.gov/documents/organization/30233.pdf, (accessed on2012), March 21.
- Nasr, V. (2007). Islamic extremism and regional conflict in South AsiaHussain, I. Pakistan's Relation with Azad Kashmir and the Impact onIndo-Pakistan Relations. US: Stanford University, 19-36
- Newby, A. (2010). India's complicated set of interests regarding Iran. Centerfor Strategic and International Study. available at:http://www.csis.org.india's-complicated-set-interests-regarding-iranaccessed on 2012, March 11.
- Pak, China sign defense agreements (2008, February 21). The Nation. available at: http://forum.prisonplanet.com/index.php?topic=75403.0, (accessed on2012), March 23.
- Perkovich, G. (2010, 26 October). Toward realistic US-India relations. retrived from:CarnegieEndowment,Washington,D.C.availableat:http://www.carnegieendowment.org, (accessed on 2012, March 10
- Pande, Aparna. (2018). Natural Allies? The India-US Relations From The Clinton Administration To The Trump Era, Asia.Visions, No. 104, Ifri
- Pew Global. (2009). Pakistani public opinion. available at: Available www.pewglobal.org/files/pdf/256.pdf, (accessed on 2012, April 21
- Spector, L. (2008, June 5). Symbolism tops substance in US-India nuclear agreement. Monterey Institute of International Studies' James Martin Center for Nonproliferation Studies. available

at:<http://www.cfr.org/india/symbolism-tops-substance-us-india-nuclearagreement/p16803>, (accessed on 2012, March 21).
Iran:WMDProliferationActivitiesSpecialisinNationalDefence,Foreign Affairs. Sharon Squassoni, (2006) India and
Sundaramurthy, A. (2018). India Keeps Australia Out Of The Malabar Exercise Again, The Diplomat, May 8, :<https://TheDiplomat.Com>
Squassoin, S. (2006). US nuclear cooperation with India: Issues for Congress, Foreign Affairs, 12).
Stobdan, N. (2004). Central Asia & China relations: Implications for India.
New Delhi: Shipra Publications.
Talbot, s. (2004). Engaging India: Diplomacy, democracy and bomb Washington D.C: Brookings Institution Press.
Tellis, A. (2010, July 11). The U.S.-India global partnership: How significant for American interests?. (Carnegie Endowment, 14).
Wang, Y. (2008). Public diplomacy and the rise of Chinese soft power, The Annals. available at:
<http://ann.sagepub.com/content/616/1/257.full.pdf>
accessed on 2012, June 15.

۱۰۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و شش

بهار ۱۳۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی